

تاریخ خونین جنبش
چپ و کمونیستی ایران-3
عبدالصمد کامبخش

چهره برجسته ای که هنوز ناشناخته مانده

محمدعلی عموی

رضاخان پس از سرکوب جنبش های آذربایجان، کوچک خان و سوسیال دموکرات ها در گیلان و پسپان در خراسان و نیز سرکوب خان ها و سران عشایر در کردستان، لرستان و خوزستان، باز مانده حزب کمونیست را در هجوم 1308 متلاشی کرد و مقاومت و مبارزه کارگران را درهم شکست. زیرا در آن سال اعتصاب های گوناگونی رخ داد. در این هجوم تعداد زیادی بازداشت و دستگیر شدند از جمله آردشیر آوانسیان، رضا روستا، رضا رادمنش و پیشه وری دستگیر و به زندان افتادند. بند «مقدمین علیه امنیت کشور» در 1310 به قانون دادرسی ارتش افزوده شد و به موجب يك بند دیگر تاسیس و شرکت در هر سازمان با مرام و رویه اشتراکی جرم شناخته شد و به مجازات 3 تا 10 سال زندان محکوم می شدند.

برگردیم به جریان ارانی و انتشار مجله دنیا؟

عموی: سال 1313 چند نفر از چهره های روشنفکر ایران و در عین حال متأثر از اندیشه مارکسیسم محفلی به وجود آوردند که اعضای آن عبارت بودند از عبدالصمد کامبخش، ایرج اسکندری و دکتر ارانی و البته این محفل بخش علنی کار ارانی بود. بخش مخفی که در واقع تجدید سازمان حزب کمونیست زیر نظر ارانی، کامبخش، کامران بود. فرد دیگری در ارتباط با این محفل بود که به لحاظ نظامی بودن هرگز عنوان نشد به نام سیامک که بعدها در حزب توده ایران به عنوان سرهنگ سیامک جزو پایه گذاران سازمان نظامی حزب توده ایران شد. ولی چهره آشکاری نبود و ارتباط پنهانی با عبدالصمد کامبخش داشت و به همین علت هم وقتی در سال 1316 گروه ارانی مورد تعقیب قرار گرفت و بازداشت شدند اصلاً خبری از سیامک نبود، نه اسمش مطرح و نه بازداشت می شود و همچنان در ارتش باقی می ماند. با دستگیری «شورشیان» یکی از فعالان حزب کمونیست ایران، رابط کامبخش با کمینترن بود که اعترافاتی از سوی او مطرح شد و شماری از اعضای حزب کمونیست دستگیر شدند و در ارتباط با آن عبدالصمد کامبخش نیز دستگیر شد (کامبخش پیش از آن مورد ظن بود و چند بار هم بازداشت شده بود و مجبور شد از ارتش استعفا دهد) و پرونده ای تحت عنوان يك محفل جاسوسی در تأمینات رضاخانی داشت. آنچه اسناد بیان می کند این است که بدنبال دستگیری شورشیان، ارانی، یزدی، طبری، انورخامهیی، خلیل ملکی و کامبخش که گروه ارانی بودند و بعدها با پیوستن بزرگ علوی (آقا بزرگ) به 53 نفر معروف شدند، بازداشت شدند.

گروه 53 نفر چگونه دستگیر شدند؟

عموی: بر سر چگونگی دستگیری این افراد روایت های گوناگونی وجود دارد. اما، با این که آقای انور خامهیی که بعدها در تقابل جدی با حزب توده ایران قرار گرفت، کسانی چون اسکندری، یزدی و بقراطی بر آن بودند که کامبخش آن ها را لو داده است اما دستگیری فردی بنام شورشیان که در ارتباط با کمینترن بود موجب لو رفتن کسانی شد که او آن ها را می شناخت، او آن ها را لو داد و بقیه افراد نیز که در محفل فرهنگی ارانی بودند شناخته شده و دستگیر شدند. کامبخش در دفاع از خود عنوان می کند از آنجایی که پرونده بسیار خطرناکی برای این گروه تنظیم شده بود که همه این ها به محاکمه صحرائی کشیده و همگی

اعدام می‌شدند، در بازجویی و دفاعیات خود آن را به یک محفل روشنفکری تبدیل می‌کند و عنوان می‌کند که ما یک عده روشنفکر دور همدیگر بودیم که بحث‌های مارکسیستی روی همه قلمروها می‌کردیم و به این ترتیب اعترافات شورشیان را بی‌اثر می‌کند.

در واقع حوزه خطر را پایین آورد؟

عموئی: بله، **کامبخش** قضیه را به جایی رساند که اصلاً حکم اعدام به هیچکس داده نشد و همه محکومیت‌های 5 - 7 - 10 سال داشتند.

پس چرا ارانی اعدام شد؟

عموئی: ارانی کشته شد، اعدام نشد. نام پزشکی احمدی در تاریخ ایران به عنوان یک فرد خبیث و عامل رضاشاه در درون زندان‌های آن دوره مشهور است. همه بزرگانی که رضا شاه تاب تحمل آن‌ها را نداشت و دستگیر شده و در زندان قصر بودند، بعد از مدتی توسط پزشکی احمدی از بین می‌رفتند. شیوه معمول نیز این بود که احمدی تحت عنوان تقویت، مداوا و غیره به آن‌ها آمپول هوا تزریق می‌کرد که نمونه‌های متعددی نیز دارد. مثل کشتن سردار اسعد، ارانی و بسیاری از سران زندانی دیگر. البته درباره ارانی دو روایت وجود دارد. یکی این که پزشکی احمدی بی‌مقدمه به او آمپول هوا تزریق می‌کند، دیگری که بیشتر هم موثق است این که، در یک سلول انفرادی یک زندانی تیفوسی، زندانی شده بود. (آن زمان تیفوس خیلی زود انسان‌ها را می‌کشت) ارانی را در آن سلول قرار می‌دهند و او پس از ابتلا به تیفوس با آمپول هوای پزشکی احمدی کشته می‌شود.

آیا کسان دیگری از گروه 53 نفر کشته شدند؟

عموئی: خیر فقط ارانی کشته شد. بقیه همه باقی ماندند و در شهریور سال 1320 بعد از ورود متفقین به ایران از زندان آزاد شدند. البته آن زمان جنبشی نیز برای آزادی زندانیان سیاسی به وجود آمد و دولت نیز در موقعیتی نبود که بتواند در مقابل آنها مقاومت کند، لذا زندانیان را آزاد کرد.

در واقع از سال 1316 تا سال 1320 دوران خلا جریان‌های فکری مارکسیستی در ایران است؟

عموئی: بله، همین‌طور است.

بعد از آزادی آن‌ها از زندان موج دوم و دوران حزب توده آغاز می‌شود. هسته اولیه حزب توده چگونه شکل گرفت؟

عموئی: پایان اختناق بیست ساله رضاشاه و در هم ریختن اقتدار حکومتی که تا آن زمان به زور نظامیان و پلیس اعمال می‌شد و نیز مطبوعات و رادیو فضای مناسبی برای آزاداندیشان به وجود آورد و میدان برای بروز هر جریان فکری باز شد. هسته نخستین حزب توده ایران، پس از آزادی زندانیان سیاسی به وسیله شماری از اعضای گروه پنجاه و سه نفر و تعدادی از کمونیست‌های پرسابقه آرداشس (**اردشیر**) آوانسیان، رضا **روستا**، رضا **رادمنش** همراه با شخصیت‌های خوشنام و خوش‌سابقه (سلیمان **میرزا اسکندری**، **علی امیرخیزی**، پروین **گنابادی**...) طی نشست‌های در هفتم مهر 1320 شکل گرفت و در دهم مهر 1320 اعلام موجودیت کرد.

همه این افراد از گروه 53 نفر بودند؟

عموئی: خیر، برخی از آن‌ها از گروه 53 نفر بودند. سال 1320 هم زمان با خروج این افراد از زندان، فضا برای فعالیت سیاسی نسبتاً مساعد بود. از سویی فضای دوره بسته رضاشاه از بین رفته و از سوی دیگر جانشین او هنوز اقتدار چندانی پیدا نکرده بود تا بتواند

ابزار و لوازم لازم را برای جلوگیری از بسط اندیشه فراهم کند. در این ایام به ویژه با حضور نیروهای متفکین در ایران، حکومت مرکزی در چنان موقعیت مسلطی قرار نداشت که بتواند مخالفین خود را به راحتی از سر راه بردارد. لذا در این دوران شاهد شکل گیری احزاب گوناگون هستیم که حزب توده ایران یکی از آن ها بود.

در واقع حزب توده در همان ماه اول آزادی شکل گرفت؟

عموئی: بله، در دهم مهر 1320 تاسیس این حزب اعلام می شود و به همین علت این روز به نام «مهرگان» تاریخ تاسیس حزب توده ایران نامیده می شود. از لحاظ تبارشناسی سابقه هم رزمی موسسین حزب توده ایران با دکتر ارانی موجب شد که ارانی به عنوان معلم اول همه اعضا و پایه گذاران حزب توده ایران نامیده شود. به همین علت همیشه در اجلاس های حزب توده ایران عکس دکتر تقی ارانی و عباراتی که از او به یادگار مانده زینت بخش گردهمایی های رسمی حزب است.

آیا دکتر ارانی و همفکران شان در زمان انتشار مجله دنیا به اتهام جاسوسی دستگیر و روانه زندان شدند؟

عموئی: اتهام اولیه به این شکل بود. بعد با توجه به صحبت های کامبخش و اعترافات دیگر افراد گروه مبنی بر این که این يك محفل روشنفکری است و بحث های فرهنگی، فلسفی و علمی دارد و نمونه آن نیز مجله دنیا است، مساله محاکمات صحرایی منتفی و دادگاه های فرمایشی آن ها را محکوم به زندان می کند.

راه توده 117
25.12.2006